

بچه های مسی

ماهنامه کودک و نوجوان - ماه صفر سال ۱۴۳۸ (آبان ۱۳۹۵) - شماره ۶



با کاروان کربلا

پیاده روی اربعین

داستانهای ما و گروه A+ ۵

فرق ستاره و سیاره چیست؟

بهشت کجاست؟

بچه‌های مسجد

- ۳ سخنی با بچه‌ها
 ۴ با کاروان کربلا
 ۶ ماهرترین تیرانداز
 ۸ باز هم سرماخوردگی آمد !!
 ۹ داستانهای ما و گروه ۱ + ۵
 ۱۲ عجیب ولی واقعی؛ جالب و خواندنی
 ۱۳ فرق ستاره و سیاره چیست؟
 ۱۴ پیاده روی اربعین
 ۱۶ اینها دیوونه اند یا موحی؟!!!
 ۱۸ بهشت کجاست؟
 ۲۰ معرفی مسجدالحرام
 ۲۲ پیشگویی بُحیرا
 ۲۳ آموزش بازی کانگورو
 ۲۴ یک بره بازیگوش درست کن!!

صاحب امتیاز : مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان
مدیر مسئول: معاونت آموزش و پژوهش امور مساجد خراسان

تصویرگر: زهره اقطاعی
صفحه آرایی: محمد دانشمند



داستانهای ما و گروه ۱ + ۵

صفحه ۹



پیاده روی اربعین

صفحه ۱۴



پیشگویی بُحیرا

صفحه ۲۲



عنوان: بچه‌های مسجد
 مشخصات ظاهری: ۲۸ صص مصور رنگی
 یادداشت: گروه سنی ج
 موضوع: دین، کودک و نوجوان
 ناشر: مشهد، انتظار مهر ۱۳۸۷
 رده بندی دیویی:
 ۱۳۷۸ م ۱۳۲ م ۷۳۰۷ م ۳۵۳۰۷ م ۲۰۷/
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۹۵۰۳۰۲
 تلفن: ۰۵۱۳۲۲۸۱۷۴۶
 سایت: www.masjedkh.ir
 پست الکترونیک: info@masjedkh.ir
 سامانه پیامک: ۳۰۰۰۸۴۱۲
 تیراژ: ۲۰,۰۰۰ عدد

سخن با بچه‌ها!

بچه‌ها، سلاممم

خوشحالیم که دوباره موفق شدیم با یک نسخه دیگه از مجله بچه‌های مسجد مهمان شما باشیم. در این نسخه از مجله با کلی مطالب جذاب و خواندنی به سراغ شما آمدیم و امیدواریم شما هم تا پایان مجله با ما همراه باشید. برای شروع یک شعر قشنگ به شما بچه‌های مسجدی عزیز تقدیم می‌کنیم:

شکر خدا دوباره، مهموتون شدیم ما
توی مجله ما، همیشه داستان داره
بچه‌های مسجدیم، مومن و خوب و زرنگ
امام جماعت ما، مهربون و با صفاست
بچه‌های مسجدی، خیلی دوشش میدارن
ما منتظر میمونیم، تا نسخه جدیدش
با یک مجله خوب، شدیم رفیق شما
مطالب جدید و قصه باستان داره
یاد میگیرم همیشه، حرفای خوب و قشنگ
یه مرد آسمونی، یا که یه مرد خداست
چون که مجله رو زود برای ما میارن
هیچکی به این قشنگی مجله ای ندیدش

با کاروان کربلا

امام حسین علیه السلام امام سوم ما شیعیان به همراه یاران باوفای خود در منطقه ای به نام کربلا توسط سپاه یزید شهید شد. همه شما درباره این ماجرای دردناک مطالبی شنیده اید اما شاید ندانید که کودکان و نوجوانان زیادی در این کاروان حضور داشتند. در این بخش قصد داریم چند نفر از این کودکان و نوجوانان را برای شما معرفی کنیم:

امام محمد باقر (علیه السلام)

ایشان تنها فرزند امام سجاد (علیه السلام) بود. مادر بزرگوارش، فاطمه دختر امام حسن مجتبی علیه السلام معروف به ام عبدالله است. امام محمد باقر (علیه السلام) در کربلا، سه سال و نیم بیشتر نداشت اما شاهد تمام حوادث تلخ کربلا بود.

علی اصغر (علیه السلام)

یکی از فرزندان امام حسین (علیه السلام) نوزاد شیرخواری به اسم علی اصغر بود که از تشنگی در روز عاشورا بی تاب شده بود و با بی رحمی تمام توسط لشکریان یزید به شهادت رسید.

رقیه (علیه السلام)

دختر سه ساله ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) است که در سفر کربلا، همراه اسیران اهل بیت بود و در شهر شام، شبی، پدر را به خواب دید و پس از بیدار شدن بسیار گریست و بی تابی کرد. این خبر به یزید رسید. به دستور او، سر مطهر امام (علیه السلام) را نزد او بردند. رقیه از این منظره، بیشتر ناراحت شد و همان روزها در خرابه شام (که محل اقامت موقت اهل بیت (علیهم السلام) بود) از دنیا رفت.

قاسم بن الحسن (علیه السلام)

ایشان نوجوانی شجاع بود که روز عاشورا در کربلا حضور داشت. وی فرزند امام حسن (علیه السلام) بود و با اصرار زیاد، عمویش حسین (علیه السلام) را راضی کرد تا به میدان برود. او شجاعانه جنگید و سپس شهید شد.

عبد الله بن حسن (علیه السلام)

وی نوجوان ۱۱ ساله و فرزند امام حسن مجتبی (علیه السلام) بود که روز عاشورا وقتی دید سید الشهداء (علیه السلام) بر زمین افتاده است، برای دفاع از عموی مظلومش به سوی میدان شتافت و جنگید و عده ای را کشت و به شهادت رسید.

در کربلا کودکان و نوجوانان دیگری نیز حاضر بودند
از جمله عون بن عبد الله، محمد بن عبد الله، طفلان
مسلم، عمرو بن جناده، عمرو بن الحسن و

منبع: ارمغان - زمستان ۱۳۸۵، شماره ۱ - فصل ششم: کودک و نوجوان و عاشورا



ماهرترین تیر انداز

امام محمد باقر (علیه السلام) امام پنجم ما شیعیان است. ایشان نه تنها در علم و دانش بلکه در مهارت های مختلف از همه مردم جهان برتر بود. فرزند ایشان یعنی امام صادق (علیه السلام) خاطره زیبایی را درباره ایشان تعریف می کنند:

روزی هشام به پدرم (امام محمد باقر (علیه السلام)) گفت: ای پسر رسول خدا! به سوی آن نشانه تیری بینداز!

پدرم پاسخ داد: من برای تیر اندازی پیر شده ام. آیا بهتر نیست مرا معاف داری؟
هشام پاسخ داد: هرگز!



پدرم تیر و کمان گرفت و کمان را کشید و تیر انداخت. تیر درست در وسط هدف نشست. برای بار دوم تیر انداخت. تیر دوم، تیر اول را شکافت و به هدف خورد. همینطور پشت سر هم، نه تیر پرتاب کرد که هر یک در دل دیگری می‌نشست و به هدف می‌خورد.

هشام از این توانایی بسیار تعجب کرد و بی‌اختیار گفت: بسیار عالی است! شما ماهرترین تیر انداز در بین همه مردم هستید.

منبع: قمی، عباس، منتهی‌الامال، ص ۷۰۱





باز هم سرما خوردگی آمد!!

فصل پاییز فصل زیبایی است که سرشار از قشنگی ها است اما از آنجایی که در این فصل هوا در حال سرد شدن است، بیماری سرماخوردگی بسیار رواج پیدا می کند. پس اگر میخواهید از زیبایی های این ماه بیشترین استفاده را ببرید و کمتر دچار سرما خوردگی شوید به این توصیه ها عمل کنید:



(۱) میوه و سبزی های تازه مصرف کنید.



(۲) لبنیات (شیر، کره، ماست و ...) در پیشگیری و درمان سرماخوردگی بسیار موثر است.



(۳) دست های خود را به صورت منظم بشوییم.



(۴) از وسایل شخصی دیگران مانند حوله، مسواک و ... استفاده نکنیم.



(۵) هنگام خروج از منزل لباس های گرم و مناسب بپوشیم.



(۶) هر روز صبحانه میل کنید.



داستان های ما و گروه ۵+۱

ابن فلسف: اتحاد و همدلی

آنچه گذشت:

گفتیم که شش نفر از بچه های بی ادب محله بعد از یک دعوای گروهی موفق شدند بقیه بچه ها رو کتک بزنند و همه بچه ها مجبور شدند تا اونها رو به عنوان رئیس بپذیرند. اون شش نفر که اسم خودشونو گروه ۵+۱ گذاشته بودند به زور به بقیه تحمیل کردند که بپذیرند اونها حق وتو دارند، یعنی هر حرفی که آنها می زنند باید انجام بشه حتی اگر نظر بقیه بچه های محله با آنها مخالف باشه. اما من و چند نفر از دوستانم زیر بار این حرف زور نرفتیم و اونها هم با ما دشمن شدند تا اینکه....



بعد از اینگه گروه ۱+۵ ما رو تهدید کردند، کمی نگران شدم. پیش خودم میگفتم که نکنه این بچه های بی عقل برای اذیت ما دست به کارهای خطرناکی بزنند. توی این افکار بودم که صدای قرآن از بلندگوهای مسجد بلند شد. مثل همیشه آماده شدم و با بقیه دوستان به مسجد رفتم.

بعد از نماز ظهر و عصر به بچه ها گفتم: بچه ها نظرتون چیه کل ماجرا رو برای آقا سید علی توضیح بدیم؟ بچه ها هم که حرف آقا سید رو خیلی قبول داشتند موافقت کردند. به اتفاق دوستان رفتیم پیش آقا سید علی و کل ماجرا رو تعریف کردیم. ایشون هم خیلی از دیدن ما خوشحال شد و با دقت، به حرفامون گوش داد. بعد از پایان صحبت های ما کمی سکوت کرد و بعد با جدیت گفت: بچه ها! نگران چیزی نباشید. تا زمانی که شماها با هم متحد و هم دل هستید اون بچه ها نمیتونن کاری بکنن. از این حرف آقا سید به فکر فرو رفتم و خیلی خوب متوجه نشدم منظورشون از اتحاد و همدلی چیه. به هر حال از ایشون خدا حافظی کردیم و در حال خروج از مسجد بودیم که ناگهان صدایم زد و گفت: قاسم جان. میادا شما هم مثل اون بچه ها به فکر تلافی با کارهای بد بیفتید. اگر شما هم بدی کنید، پس فرق بین شما و اونها چیه؟ شما با اتحاد و هم دلیتون در برابر اونها مقاومت کنید اما دست به کارهای بد نزنید. منم گفتم چشم. تو مسیر برگشتن به خونه بودیم که حس کردم یک عده دارن تعقیبمون می کنند. بله. درست حدس زده بودم. بچه های همون گروه ۱+۵ بودند. دیدم دارن میان طرف ما. شاهین سر دسته این گروه بود چون از همه گنده تر بود. شاهین گفت آهای.



کجا میرید؟ صبر کنید ببینم. ما هم صبر کردیم. شاهین گفت همتون برید خونه هاتون اما قاسم اینجا میمونه. ما فقط با قاسم کار داریم. من (قاسم) متوجه شدم نقشه ای دارن. اونها چون میدونستند تعداد ما با تعداد اونها برابره و نمیتونن با همه ما دعوا کنند تصمیم گرفتند منو از بقیه جدا کنند و چند نفری با من دعوا کنن. چون فکر میکردن من بقیه بچه ها رو وادار کردم زیر بار حرف زور اونها نرن.

توی این افکار بودم که یهو بچه ها گفتن ما قاسم رو تنها تمیز داریم. ما همه با هم متحدیم و از شماها نمیترسیم. با شنیدن این صحبت ها حس غرور بهم دست داد و دلم محکم شد و اونجا بود که منظور آقا سید علی رو فهمیدم. تا ما متحد و هم دل باشیم کسی نمیتونه به ما زور بگه. گروه ۵+۱ هم که دیدن ما با هم متحد و هم دل هستیم از دعوا منصرف شدن اما من میدونستم اینها دست بردار نیستن و قصد دارن یک نقشه جدید بکشن. ادامه دارد.....



وال (نهنگ) با این که بزرگ ترین حیوان است، غذایی یکی از کوچک ترین موجودات دریا (ماهی) است.



طول نوزاد نهنگ در حدود ۶ تا ۸ متر است.



چشم شتر مرغ از مغزش بزرگ تر است.



بیشترین ضربان قلب
متعلق به قناری
و کم ترین ضربان
قلب متعلق به فیل است



ستاره های دریایی مغز ندارند.



مورچه ها نمی خوابند.



تنها موجودی که نمی تواند بپرد فیل است.



حس چشایی پروانه ها در
پاهایشان قرار دارد.

جالب و خواندنی

اگر ماهی قرمز را در یک اتاق تاریک
بگذاریم، کم کم رنگش سفید می شود





آموزش بازی کانگورو

طوری که توپ از بین پای آنان نیفتد شروع به حرکت نموده و به سمت علامت مخصوص تیم خود حرکت کرده و پس از دور زدن به دور آن به سمت تیم برگشته و توپ را به

نفر بعد تحویل داده و خود به انتهای صف میروند. چنانچه توپ از بین پای هر بازیکن رها شود باید

توپ را دوباره برداشته و از همان نقطه افتادن توپ به حرکت ادامه دهد.

در انتها نیز هر تیم که تمامی اعضای آن وظیفه خود را زودتر به پایان برسانند برنده بازی خواهد بود.

وسایل مورد نیاز:
یک عدد توپ

نحوه بازی

این بازی را می توان دو نفره یا حتی با تعداد زیادی از بچه ها انجام داد. بازی اینطور است که ابتدا بچه ها به دو تیم تقسیم می شوند.

بازیکنان هر تیم به شکل پشت سر هم (ستونی) مستقر خواهند شد.

نفرات اول توپ را بین دوزانوی خود (کوچکترها بین رانهای خود) قرار می دهند و با فرمان شروع داور به صورت پرش جفت پا



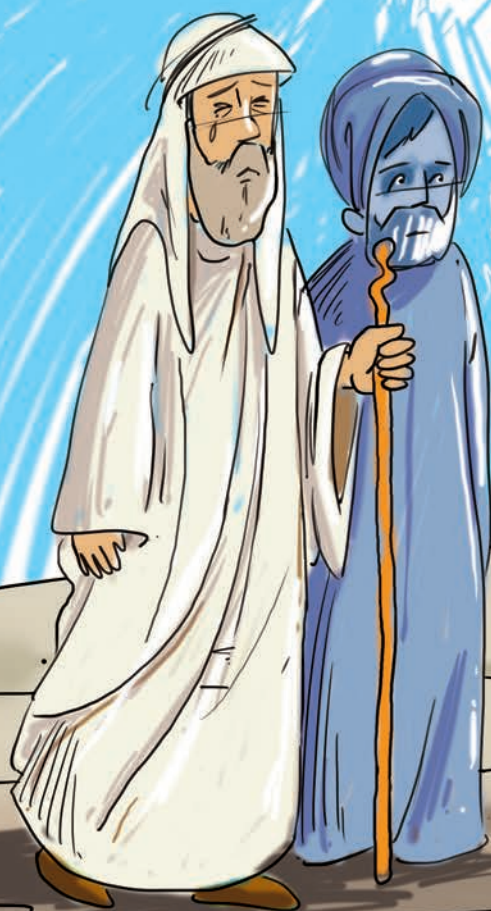
پیاده روی اربعین

جابر بن عبد الله انصاری پیرمردی بزرگوار و از یاران با صفای پیامبر ﷺ بود. او در کهن سالی نابینا شده بود لذا نتوانست به همراه امام حسین (علیه السلام) در کربلا حاضر شود. او پس از اطلاع از شهادت امام و یاران با وفایش به همراه عطیه عوفی با پای پیاده از مدینه به سوی کربلا حرکت کرد و در صبح اربعینی (چهلمین روزی) که از شهادت حضرت سید الشهدا (علیه السلام) می‌گذشت، به کربلا رسید.

جابر پیش از زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) به نزدیک شط فرات رفت، غسل کرد و لباسی همانند لباس احرام پوشید. خویش را معطر ساخت و سپس به سوی قبر سید الشهدا (علیه السلام) مراجعه کرد و به زیارت پرداخت.

از سوی دیگر حضرت زینب کبری علیها السلام و امام سجاد علیه السلام نیز از شام به سمت کربلا راهی شده بودند که در همان روز یعنی روز اربعین به همراه هشتاد و چهار نفر وارد کربلا شدند و آنجا با جابر بن عبد الله انصاری دیدار کردند و همگی در آنجا عزاداری نمودند.

بسیاری از دوست داران ابا عبد الله الحسین علیه السلام نیز همه ساله در روز اربعین با پای پیاده برای زیارت قبر ایشان راهی می شوند.



اینها دیوونه اند یا موجی؟!!!

آشپز و کمک آشپز، تازه وارد بودند و با شوخی بچه ها ناآشنا. آشپز، سفره رو انداخت وسط سنگر و بعد بشقاب ها رو چید جلوی بچه ها. رفت نون بیاره که علیرضا بلند شد و گفت: ((بچه ها ! یادتون نره !))

آشپز اومد و تند و تند دوتا نون گذاشت جلوی هر نفر و رفت. بچه ها تند نون ها رو گذاشتند زیر پیراهنشون. کمک آشپز اومد نگاه به سفره کرد. تعجب کرد.

آشپز و کمک آشپز، تازه وارد بودند و با شوخی بچه ها ناآشنا. آشپز، سفره رو انداخت وسط سنگر و بعد بشقاب ها رو چید جلوی بچه ها. رفت نون بیاره که



علیرضا بلند شد و گفت: ((بچه ها! یادتون نره!))
 آشپز اومد و تند و تند دوتا نون گذاشت جلوی هر نفر و رفت. بچه ها تند نون
 ها رو گذاشتند زیر پیراهنشون. کمک آشپز اومد نگاه به سفره کرد، تعجب کرد.
 تند و تند برای هر نفر دوتا کوکو گذاشت و رفت. بچه ها با سرعت کوکوها رو
 گذاشتند لای نون هائی که زیر پیراهنشون بود. آشپز و کمک آشپز اومدن بالا
 سر بچه ها. زل زدند به سفره. بچه ها شروع کردند به گفتن شعار همیشگی:
 ((ما گشمنونه یا الله!))، که حاجی داخل سنگر شد و گفت: چه خبره؟ آشپز دوید
 رو بروی حاجی و گفت: حاجی! اینها دیگه کی اند! کجا بودند! دیوونه اند یا موجی!!
 فرمانده با خنده پرسید چی شده؟ آشپز گفت تو یه چشم بهم زدن مثل پلنگ های
 گشنه هر چی بود بلعیدند!! آشپز داشت ماجرا رو تعریف میکرد که بچه ها نونها و
 کوکوها رو یواشکی گذاشتند تو سفره.
 حاجی گفت این بیچاره ها که هنوز غذاهاشون رو نخوردند! آشپز نگاه به سفره کرد.
 کمی چشماشو باز وبسته کرد. با تعجب سرش رو تکونی داد و گفت: جل الخالق!؟
 اینها دیوونه اند یا موجی؟! و بعد رفت تو آشپزخونه. هنوز نرفته بود که صدای
 خنده ی بچه ها سنگرو لرزوند ...

منبع: لیبیک



بعضی از بچه‌های پرسند:

بهشت کجاست؟



انسان‌های خوب که در زندگی کارهای شایسته و خوب انجام می‌دهند پس از این که از این دنیا رفتند به جایی منتقل می‌شوند به نام بهشت. بهشت جایی است که همه خوبی‌ها، زیبایی‌ها و نعمت‌ها در آن وجود دارد.

در بهشت باغهایی وجود دارد که از زیر درختانش جوی‌های آب جاری است. در بهشت هر چه بخواهیم هست، کافی است بهشتی‌ها دلشان چیزی بخواهد، آنگاه آن چیز برایشان حاضر می‌شود. لباس بهشتی‌ها از جنس حریر و پارچه‌های بسیار زیبا با بهترین رنگ‌ها است. بهشتی‌ها به همراه همسر و خانواده و دوستان خود در قصرهای بسیار زیبایی زندگی می‌کنند و به دیدار همدیگر می‌روند.



در بهشت علاوه بر نهر آب، نهرهایی از شیر و عسل و ماده ای بهشتی به اسم خمر وجود دارد. غذاهای بسیار خوشمزه و میوه های بسیار پر آب و شیرینی در همه فصل ها در بهشت قابل دسترسی است.

بهشتی ها هیچ وقت از بهشت خارج نمی شوند و همیشه در آن ماندگار هستند و خداوند به همه ما وعده داده است که اگر انسان های خوبی باشیم ما را به آنجا ببرد.



دانشتنی‌های مسجدی

معرفی مسجد الحرام

مسلمانی که توانایی دارد واجب است که در طول زندگی خود یک بار به سفر حج برود و اعمال خاصی را در این مسجد انجام دهد و به دور کعبه هفت بار طواف نماید.

مسجد الحرام، مشهورترین و مقدس‌ترین مسجد در اسلام است که در شهر مکه و در کشور عربستان واقع شده است. کعبه قبله گاه مسلمان ها در این مسجد واقع شده است. در اسلام برای هر

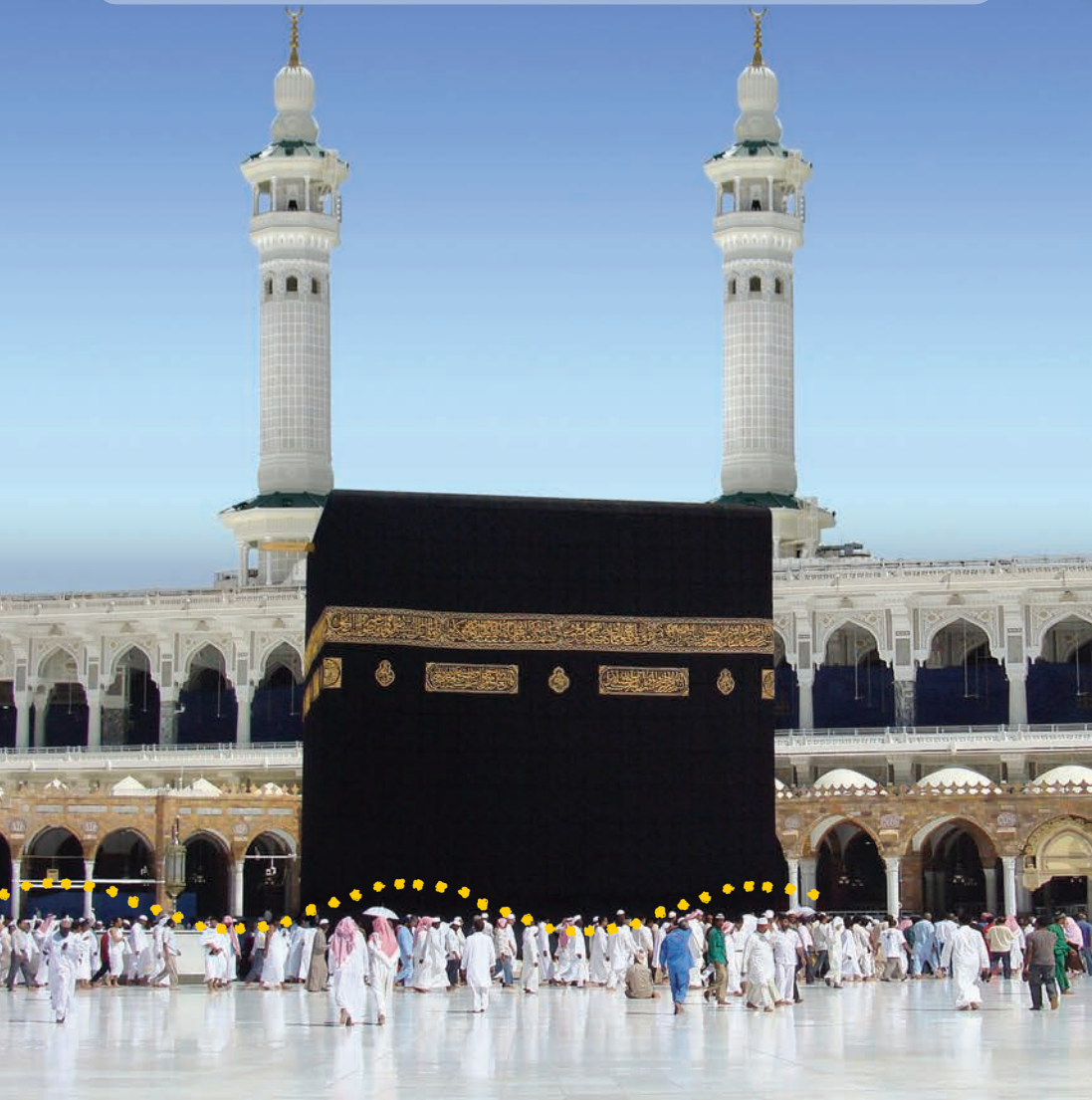
به چند دلیل این مسجد را مسجد الحرام می‌گویند:

- ۱) ورود مشرکان به این مسجد حرام می‌باشد.
- ۲) در این مسجد آزار رساندن، ترساندن و اذیت مسلمانان حرام است.
- ۳) در این مسجد برخی از اعمالی که در دیگر مکان‌ها جایز است، حرام می‌باشد مانند: میید حیوانات و قطع درختان.
- ۴) این مسجد مورد احترام است.





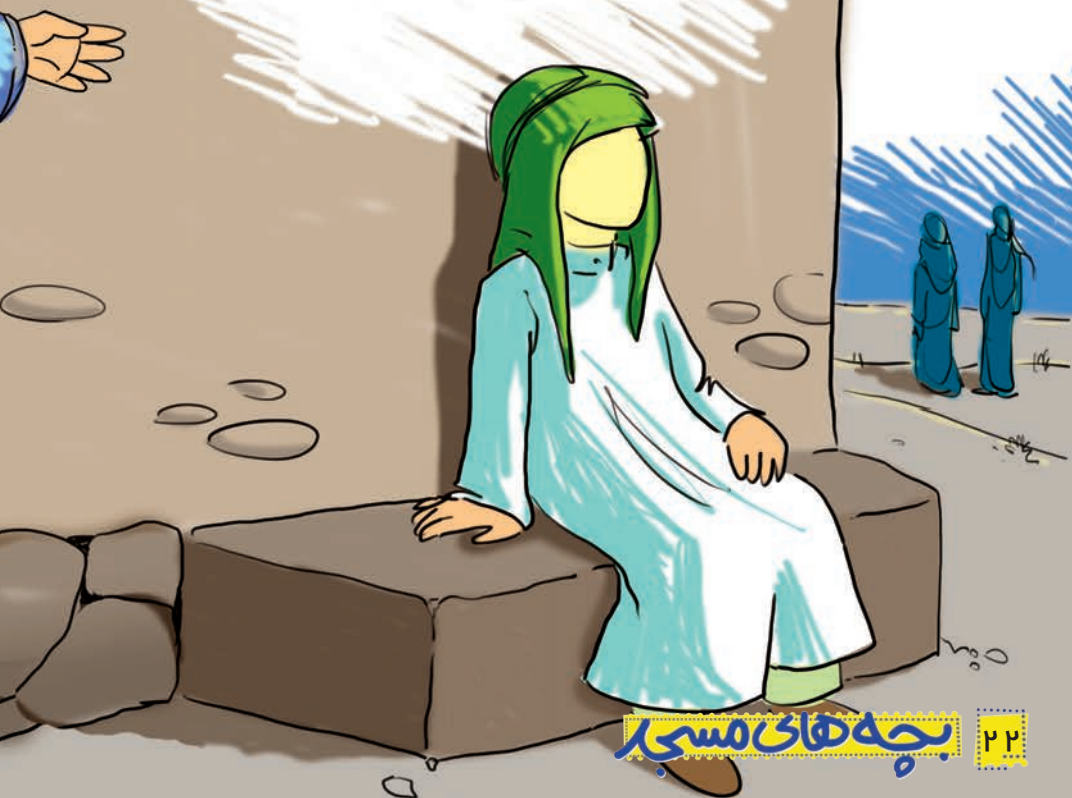
((متأسفانه با توجه به اهمیت این مسجد بزرگ برای تمام مسلمان ها مخصوصا مردمان ایران، پادشاهان عربستان از ورود زائران ایرانی به خانه خدا جلوگیری کردند. این حاکمان ظالم با حمایت از گروه هایی مانند داعش و حمله به مردم مظلوم یمن و کشتار کودکان و نوجوانان در حال ظلم به مسلمان های جهان می باشند))



پیشگویی بحیرا^ع

در یکی از سال‌ها حضرت ابوطالب عموی پیامبر همراه کاروان قریش برای تجارت عازم شهر شام شد و حضرت محمد ﷺ که در آن ایام یک نوجوان کم‌سن و سال بود به همراه حضرت ابوطالب در این سفر حضور داشت.

زمانی که کاروان به منطقه بصری رسید، در کنار صومعه‌ای به استراحت پرداخت. در آن صومعه، راهبی به نام بحیرا زندگی می‌کرد که عالم بزرگ مسیحیان بود. در میان جمعیت، برادرزاده ابوطالب یعنی حضرت محمد ﷺ توجه وی را جلب کرد؛ زیرا برخی از نشانه‌هایی را که او درباره پیامبر موعود می‌دانست، در محمد ﷺ مشاهده کرد. بحیرا کسی بود که سالیان درازی در انتظار پیامبر موعود یعنی حضرت محمد ﷺ زندگی می‌کرد.



او پس از اندکی گفت‌وگو با محمد ﷺ و طرح پرسش‌هایی از او متوجه شد این نوجوان همان پیامبری است که پیامبران قبل وعده آمدنش را داده اند. او به حضرت ابوطالب سفارش کرد که از این نوجوان مراقبت کند و از گزند برخی یهودیان که قصد کشتن او را دارند حفظ نماید.

منبع: بحار الانوار ج ۱۵ ص ۴۰۹



یک بره بازیگوش درست کن!!

دست بکار شوید...

با کمی مقوا،
روزنامه، چسب و پنبه
می‌توانید یک گوسفند
درست کنید



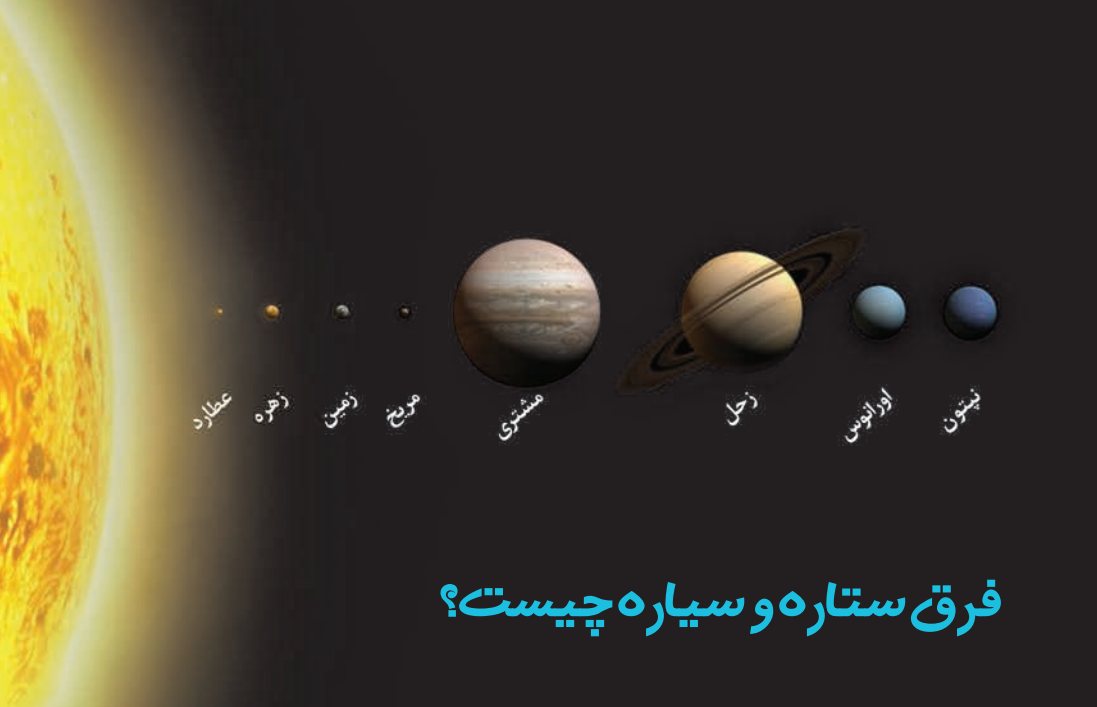
اول از همه یک
روزنامه را مچاله کنید
و تلاش کنید به شکل
یک کره در بیاید.



بعد از آن تکه
هایی از پنبه را جدا
کنید و با دست خود آن
را اگر دکنید و با چسب به
روزنامه بچسبانید

حالا نوبت صورت و
دست و پای گوسفند ناقله
است. کافی است مقداری
مقوا برداریم و مثل شکل زیر،
آن را برش بزنیم و بعد به
بدن گوسفند بچسبانیم.





فرق ستاره و سیاره چیست؟

از ما بسیار زیاد است. سیاراتی را که ما در آسمان میبینیم اجسام متحرکی هستند که به دور خورشید می چرخند. ۹ سیاره شناخته شده به ترتیب فاصله ای که از خورشید دارند عبارتند از : عطارد، ناهید یا زهره، زمین، بهرام یا مریخ، برجیس یا مشتری، کیوان یا زحل، اورانوس، نپتون، پلوتو. سه سیاره ای که دور ترین فاصله را دارند به قدری کم نور هستند که بدون تلسکوپ دیده نمی شوند

تفاوت اساسی بین ستاره و سیاره در این است که ستاره یک جسم داغ نورانی است که نور خود را خود تولید می کند. حال آن که یک سیاره جسمی همانند زمین یا ماه است که تنها با منعکس کردن نور خورشید درخشندگی و نور دارد. اکثر ستارگان بزرگ هستند و از گاز داغ به وجود آمده اند، درست شبیه خورشید. در واقع، خورشید خودش یک ستاره بسیار معمولی است که نه فوق العاده بزرگ است و نه فوق العاده گرم. ستارگان به صورت نقاط کم نوری در آسمان دیده می شوند چرا که فاصله آنها

دوست عزیزم؛ سلام

لطفا نام و نام خانوادگی خودتان، شهرستان محل سکونت و مسجدتان را به همراه پاسخ سوالات زیر به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۴۱۲ ارسال فرمایید تا در قرعه کشی و اهدای جوایز گوناگون شرکت نمایید.

سوال ۱- رمز جدول روبرو

سوال ۲- در روز اربعین چه اتفاقی رخ داده است ؟

همچنین **دل نوشته های خود پیرامون امام رضا (ع)** **امام حاضر و ناظر بر اعمال ما** را به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۴۱۲ ارسال کنید تا از بهترین ها در شماره بعدی ماهنامه تقدیر شود.

دوست عزیزم؛ نقاشی و خاطرات خود را پیرامون مسجد، به امام جماعت مسجدتان تحویل بدهید تا پس از رساندن به امور مساجد و شرکت در قرعه کشی، هدایایی به رسم یادبود تقدیم شما گردد.

بچه های مسجد، خوشحالیم از استقبال و همراهی شما در مسابقه پیامکی شماره قبل که ما از بین تعداد زیادی شرکت کننده ۱۴ نفر را به قید قرعه انتخاب کردیم که اسامی آنان به شرح ذیل است:



۱. الهام بخشنده، مشهد مقدس، مسجد ابوذر غفاری

۲. امید محمدی، مشهد مقدس، مسجد ولی عصر (عج)

۳. امیر حسین عباسی، بیرجند، مسجد مرتضوی

۴. حدیثه سادات منصورى تبار، جغتای، مسجد امام حسن مجتبی (عج)

۵. سمانه طهماسبی، مشهد مقدس، مسجد حسینی (عج)

۶. عارفه عقیقی، قوچان، روستای جعفر آباد، مسجد چهارده معصوم (عج)

۷. فاطمه سالاری، مشهد مقدس، مسجد حضرت ابوالفضل (عج)

۸. فهیمه کدخدا، بیرجند، مسجد آل رسول (ص)

۹. کمیل رازی، گناباد، مسجد چهارده معصوم (عج)

۱۰. مصطفی زارعی، سبزوار، مسجد رسالت

۱۱. مظهره شفقته، شاندیز، مسجد جامع

۱۲. مظهره میر صالحی، نیشابور درود، مسجد امیر المومنین (عج)

۱۳. نسا اشرفیان، کلات نادری، مسجد صاحب الزمان (عج)

۱۴. یاسین سلیمانی، مشهد مقدس، مسجد جوادالائمه (عج)

نام و نام خانوادگی:

جدول

شماره ۶



الف. چند سیاره به دور خورشید میچرخد؟

ب. حضرت قاسم فرزند کدام امام بود؟

ج. درسی که اقا سید علی به بچه ها داد چه بود؟ (..... و همدلی)

د. جابر بن عبد الله انصاری در چه روزی به زیارت امام حسین رفت؟



		الف			
	۲	۱	ب		
					ج
۴	۳				د



با قرار دادن شماره های درون جدول در کنار هم، رمز جدول را پیدا کنید.

پیامبر اکرم ﷺ:

مَنْ كَانَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَأَنَّ الْجَنَّةَ فِي طَلَبِهِ؛
هر که در جستجوی دانش باشد
بهشت در جستجوی او برآید.

منتخب میزان الحکمة: ۳۹۸

